معماری نورانی: نقشه راه کنشگری جامع

بازگشت به مکتب اصیل برای ساختارشکنی بن‌بست‌های سیاسی و عبور از احساس بی‌پناهی

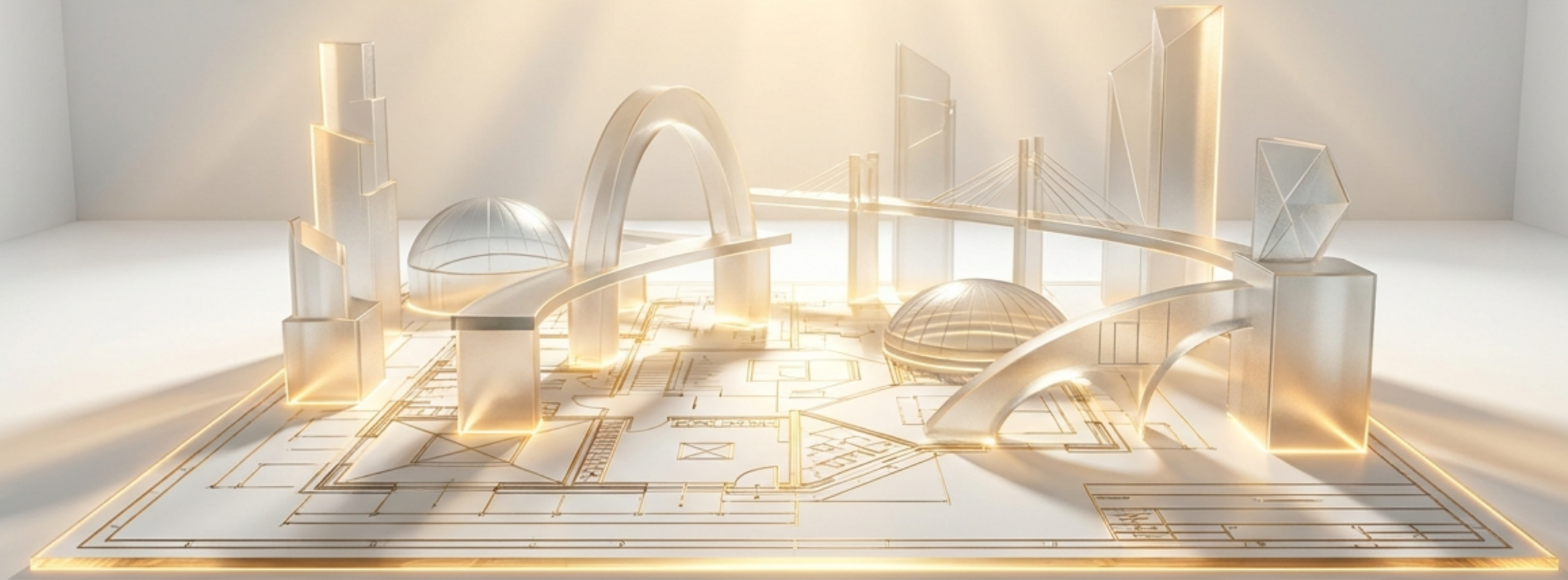

شبکه یاریگران پیشرفت ایران (شیپا)

«احساس بی‌پدری و بی‌سرپرستی سیاسی»



واقعیت دوران پس از دهه ۷۰: با وجود دغدغه‌مندی، کنشگران مکتبی احساس می‌کنند پشتوانه فکری و راهبری منسجمی در میدان ندارند.

سردرگمی در مفاهیم: شعارهای کلی مانند اقتصاد مقاومتی یا استقلال وجود دارد، اما به برنامه و چارچوب عملیاتی مشخص تبدیل نمی‌شود.

نتیجه: لکنت زبان در گفتگو با مردم و آشفته شدن در چالش‌های جدی اقتصادی، سیاسی و اجتماعی.

سه‌گانه قدرت در دهه ۶۰: وحدت راهبردی



مرجعیت فکری و ایدئولوژیک
(تولید فکر خالص، مانند مدون کردن خط فکری توسط شهید بهشتی)

مسئولیت اجرایی و صندلی‌های قدرت (در دست گرفتن مناصب واقعی برای پیاده‌سازی)

راهبری سیاسی و تشکیلاتی
(انسجام‌بخشی به جوانان و هدایت جریان‌های سیاسی در میدان)

نتیجه این وحدت:
اعتماد بی‌نظیر عمومی. حضور ۴ نفر از هر ۵ ایرانی در انتخابات و رأی ۹۶ درصدی به کاندیدای مکتبی.

حملوا بصائرهم علی اسیافهم: چگونه بصیرت به عمل تبدیل می‌شود؟

چالش‌های پیچیده میدان
(تسخیر لانه جاسوسی، دعوای زمین و اننفال، آزادی بیان مخالفان)

فیلتر ایدئولوژی (سند مواضع):
آموزش تشکیلاتی، حل شدن مبانی، و درک دقیق مرزها

کنشگری با اعتماد به نفس:
دفاع مستدل از حقایق، لکنت نداشتن در برابر مردم، و پرهیز از درگیری‌های فرسایشی داخلی



گسست سه‌گانه: ریشه سرگردانی امروز



سیاست‌بازان بی‌مبنا: کسانی که لیست‌های سیاسی می‌بندند و احزاب را هدایت می‌کنند، اما هیچ اتصالی به ایدئولوژی ناب ندارند.

اندیشمندانِ منزوی: مراجع فکری محترمی که هیچ نقشی در انسجام‌بخشی سیاسی جوانان و هدایت میدان ندارند.

مدیرانِ بی‌ریشه: نشستن صندلی های قدرت و وزارت بدون داشتن دانش منسجم سیاسی و مکتبی.

نشستن بر صندلی‌های قدرت و وزارت بدون داشتن دانش منسجم سیاسی و مکتبی.

دوگانه‌های ناقص: آفت جزئی‌نگری در شناخت انقلاب

	جریان اصول‌گرا	مکتب اصیل انقلاب	جریان اصلاح‌طلب
شعار اصلی	استقلال و پیشرفت	جمع هماهنگ ۵ اصل (عدالت، آزادی، استقلال، معنویت، پیشرفت)	آزادی و عدالت (در ادعا)
ارزش قربانی‌شده	جمهوریت (حذف نقش توده مردم)	هیچ‌کدام (بدون تناقض داخلی)	استقلال (شیفتگی به غرب)
نتیجه نهایی	تمایل به دیکتاتوری پیشرفته با ریش و تسبیح و استقبال از انتخابات خلوت	جمهوری اسلامی واقعی، تکیه بر توده‌های مردم	استحاله فکری، دفاع از سرمایه‌داری، و لیبرالیزه شدن ذهن

«مَنْ هاتَهُ بِجَمیعِ جَوانبِهِ»: ضرورت معماری جامع



دانش‌های تکنیکی، خرد یا فلسفه انتزاعی، جایگزین «ایدئولوژی» نمی‌شوند.
دین خدا برپا نمی‌شود مگر توسط کسی که کلیت اندیشه انقلاب را با تمام نظم و هندسه آن بشناسد.

سند مواضع: سواد عمومی سیاسی برای همه



نه یک متن تاریخی: بلکه یک مرامنامه و برنامه عمل مشترک که در اوج بحران‌ها برای جلوگیری از انحراف نوشته شد.

سواد عمومی، نه تخصص نخبگانی: نیازی نیست اقتصاددان یا قاضی باشید تا بدانید «انفال» متعلق به کیست. این کفِ دانش سیاسی برای هر کنشگر است.

مصونیت‌بخش: ابزاری برای اینکه نه اصولگرا به نام پیشرفت آزادی را ذبح کند، نه اصلاح‌طلب به نام آزادی استقلال را.

از تربیت سیاسی تا حل مسئله: مأموریت شیپا



کنشگری شبکه‌ای (شیپا):
پیوستن به حلقه‌های میانی برای همراه کردن ملت و حل مسائل خرد و کلان ایران، با یک مرامنامه مشترک.

تربیت سیاسی و تشکیلاتی:
عبور از دوره «مواضع ما». کسب یک کسب یک بسته منسجم ذهنی و فهم انقلاب در واقعیات چه می‌خواهد.

دغدغه خام:
شما یک پرستار، معلم، یا فعال محیط زیست هستید که قصد اصلاح ایران را دارید.

ما همه آرمان‌های انقلاب را با هم و توسط مردم می‌خواهیم. این ما، و این سند مواضع ما برای حل مسائل ایران.